

بیانیه سیاسی نیروهای چپ و کمونیست آلترناتیوسازی بورژوائی: علیه منافع کارگران و مردم ایران

۱- با تشدید بحران جمهوری اسلامی و گسترش تنش و تبلیغات جنگی بین دولت‌های آمریکا و جمهوری اسلامی، ما شاهد تشدید تحرک اپوزیسیون راست و بروز امیدواری‌های آنها برای وقوع یک جنگ، تلاقی نظامی با جمهوری اسلامی و از این طریق مطرح شدن و یا شکل‌گیری یک راه حل دست راستی جایگزین، بطرق مختلف هستیم. امپریالیسم آمریکا در راستای تامین منافع خود و متحدینش در منطقه خاورمیانه برای "رام کردن" جمهوری اسلامی تلاش میکند، همراه با این سیاست بخش‌هایی از حکومت و حاشیه حکومت که طرفدار مذاکره فوری اند، با اتکا به دیپلماسی و بند و بست امیدوارند با حداقل تغییرات کنترل شده و ترجیحاً بدون دخالت مردم در درون رژیم، خود را با اهداف و سیاستهای مورد نظر آمریکا و هم‌پیمانانش هماهنگ کنند. نقشه راهی که با تشدید مبارزات کارگران و توده مردم علیه کلیت جمهوری اسلامی، افقی ندارد و میتواند و باید به شکست کشانیده شود. بخشی دیگر که علناً و به زبان‌های مختلف از "رژیم چینج" دفاع می‌کنند، با شکست پروژه‌های تاکتونی‌شان تنها راه را تشدید فشار سیاسی و اقتصادی و نظامی آمریکا به جمهوری اسلامی و حمایت از جریان و یا ائتلافی از جریانات بورژوائی بعنوان "دولت جانشین" می‌دانند. تحریم اقتصادی و جنگ و تشدید بحران در اشکال تقابل نظامی محدود یا گسترده، به تنها امید این جریانات برای نزدیک شدن به قدرت سیاسی و لذا "آلترناتیو شدن" بدل شده است. برای این اردو معنی واضح "آلترناتیو" دست راستی یعنی حفظ نظام سرمایه‌داری بدون حکومت اسلامی است. طبقه سرمایه‌دار ایران با تمام جناح‌ها و گرایش‌های آن نشان داده است که در تمام مراحل رشدش نه تنها هیچگاه نیازی به استقرار آزادیهای سیاسی نداشته و ندارد، بلکه شرایط دیکتاتوری و استبداد به همراه فساد گسترده اداری، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تنها منبع ادامه حیاتش را تشکیل می‌دهد. طبقه مَنحط و فاسدی که مانع عمده تحولات اقتصادی اجتماعی و سیاسی به نفع توده‌های زحمتکش مردم است. اکنون گسترش و عمیق شدن شدید شکاف طبقاتی، بیش از هر زمان جامعه را به دو بخش اقلیت ناچیز استثمارگر و ستمگر و غارتگر و اکثریت عظیم طبقه کارگر و مردم تحت ستم و استثمار، تقسیم نموده است. این اقلیت استثمارگر و ستمگر که بر مقدرات مردم حُکم می‌راند تمامی امکانات رفاهی و ثروتهای اجتماعی و اقتصادی جامعه را بزور سرنیزه و سرکوب در اختیار گرفته است. اکثریت عظیم کارگران و زحمتکشان جامعه که از چهل سال ستم و استثمار و زور و سرکوب طبقه حاکم و دستگاه دولتی سرکوبگر آن به تنگ آمده اند، با دست زدن به اعتصابات و اعتراضات وسیع و مداوم، خواهان سرنگونی آن و بدست گرفتن سرنوشت خویش هستند.

۲- در جدال برسر آلترناتیوسازی، نیروهای اپوزیسیون بورژوائی ایران مانند سازمان مجاهدین خلق، بخش‌هایی از جریانات ناسیونالیست ایرانی و طیف وسیعی از سلطنت طلبان، احزاب و نیروهای ناسیونالیست محلی از جمله در کردستان مانند احزاب دمکرات کردستان و سازمانهای زحمتکشان، تحقق استراتژی سیاسی خود را به دخالت قدرت‌های غربی و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا گره زده اند و طرفدار "رژیم چینج" هستند. جریانات ناسیونالیست کرد در عین حال با ناامید شدن از دخالت نظامی آمریکا و متحقق نشدن "رژیم چینج" مورد نظرشان در حال حاضر، بار دیگر به سیاست و سنت همیشگی‌شان بند و بست با جمهوری اسلامی به منظور شریک شدن در قدرت سیاسی با حکومت ارتجاعی مرکزی روی آورده اند. برخی از جمهوریخواهان، از طریق مخالفت با انقلاب تحت عنوان مرزبندی با خشونت و تاکید بر گذار مسالمت‌آمیز عملاً به ماندگاری و بقای رژیم اسلامی خدمت می‌کنند. به

علاوه در طرف مقابل، با طیفی از مدافعین جمهوری اسلامی روبرو هستیم، که به بهانه خطر جنگ و درگیری نظامی، توده کارگر و مردم زحمتکش را به آرامش و وحدت با حاکمیت دعوت می‌کنند و به یاد حفظ "میهنی" افتاده اند که بهشت برین برای استثمارگران و ستمگران و جهنمی سوزان برای توده عظیم طبقه کارگر و مردم زحمتکش است. در این میان احزاب اپورتونیست رفرمیست، نظیر حزب توده و دنباله روانش و چپ حاشیه ای "ضد آمریکایی" به رغم ادعای گذار از رژیم جمهوری اسلامی، اما در عمل تنها خواهان برافتادن ولایت فقیه هستند و به همراه بخشی از اصلاح طلبان به تغییراتی در قانون اساسی امید بسته و به ماندگاری نظام استثمارگر و ستمگر سرمایه داری حاکم رضایت می‌دهند. راه حل بخش های مختلف اپوزیسیون بورژوازی برای خاتمه دادن به بحران اقتصادی در بهترین حالت سپردن اداره اقتصاد کشور به دست مدیران تکنوکرات، عادی سازی مناسبات با غرب و رفع موانع سیاسی و حقوقی بر سر راه ادغام فزاینده تر و سیستماتیک تر سرمایه داری ایران در بازار جهانی و تداوم استثمار کارگران برای "بازسازی ایران" است. ما بعنوان نیروهای کمونیست در کنار جنبش رادیکال کارگری و بخشهای مختلف مردم آزادیخواه و زحمتکش مانند جنبش معلمان، بازنشستگان، دانشجویان انقلابی و پیشرو، جنبش برابری زن و مرد، روشنفکران چپ و انقلابی، حرکت‌های برابری طلبانه و مردم تحت ستم و استثمار و تبعیض در سراسر ایران، به هیچکدام از این اردوهای ارتجاع و امپریالیسم تعلق نداریم. ما قاطعانه اعلام کرده ایم که در برابر هر نوع بند و بست بورژوائی و هر نوع آلترناتیو سازی از بالای سر طبقه کارگر و مردم زحمتکش خواهیم ایستاد و به هیچ دولت بورژوائی، که ماهیت اساسی و مشترک آنها تداوم استثمار و سرکوب است، تن در نخواهیم داد.

۳- ما بار دیگر اعلام می‌کنیم که در متن کشمکش سیاسی و طبقاتی جامعه ایران، برای تقویت و سر و سامان دادن به پایه های اجتماعی یک آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی مبارزه می‌کنیم. ما شکل دادن به این اردو و تقویت راه حل سوسیالیستی و کارگری در جنبشهای اجتماعی را وظیفه تعطیل ناپذیر خود دانسته و برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و استقرار دولتی کارگری و شورائی مبارزه می‌کنیم. ما در اوضاع بحرانی کنونی، تبدیل معنا و مضمون این سرنگونی به افق جنبش طبقه کارگر و اردوی انقلاب و به پرچم مبارزه سیاسی برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری تلاش می‌کنیم. ما بار دیگر اعلام می‌کنیم بخشهای مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران تلاش دارند روند دست بدست شدن حاکمیت سیاسی بورژوازی اسلامی با کمترین دخالت مردم کارگر و زحمتکش صورت گیرد. استراتژی سیاسی اصلاح طلبی حکومتی، رفراندم، آشتی ملی و آلترناتیو سازی برسر مَصون نگاهداشتن ماشین دولتی بورژوائی و ارگانهای سرکوب آن از گزند عمل انقلابی طبقه کارگر و اردوی سوسیالیست و کمونیست جامعه است.

۴- ما در کنار جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر و جنبشهای اجتماعی متحد طبقه کارگر، در جدال جاری برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، درهم کوبیدن تمام ارگانها و نهادهائی که قدرت طبقات حاکمه بر آن استوار است، مبارزه می‌کنیم. از نظر ما سرنگونی جمهوری اسلامی باید به یک انقلاب اجتماعی، در هم شکستن ماشین دولتی، خلعید کامل سیاسی و اقتصادی از بورژوازی و گذار به یک نظم نوین کارگری و سوسیالیستی منجر شود. لذا ما وظیفه خود و طبقه کارگر و اردوی نیروهای آزادیخواه و پیشرو را تقابل روشن و شفاف با کلیه "راه حل"های بورژوائی میدانیم. از نظر ما کمونیست‌ها، سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و شکست دورنمای امپریالیستی، وجوه و ارکان یک سیاست واحدند.

۵- در شرایط کنونی، هنوز تلاش‌های بی‌وقفه جریان‌ات دست راستی در اپوزیسیون که به دخالت قدرتهای خارجی امید بسته اند، موفق نشده اند به قالبی سیاسی درآیند و بدرجه‌ای مورد اعتنا و پذیرفتنی و قابل تایید برای جامعه بمثابه "یک آلترناتیو" در قبال جمهوری اسلامی بدل شوند. از اینسو، اردوی بیشمار کارگران و زحمتکشان و طیف کمونیست‌ها و چپ جامعه هم، بدلیل شرایط پلیسی و سرکوب و ممنوعیت فعالیت متشکل در ابعاد وسیع‌تر، هنوز نتوانسته‌اند بدیل سوسیالیستی کارگران را به افقی مسلط و به پرچم سیاسی قدرتمندی در متن مبارزات اجتماعی بدل کنند. لذا کشمکش برسر شکل دادن به آینده و مختصات آن از موضع طبقات متخاصم اجتماعی ادامه دارد. نقد ما به روشها، ماهیت و محتوای طبقاتی راه‌حل‌های اپوزیسیون راست، جزئی از نقد وسیع‌تر ما و طبقه کارگر به جامعه سرمایه‌داری و اساس نظامی است که در قلمرو اقتصاد به استثمار فرد از فرد و در قلمرو سیاست به یک حکومت استبدادی و دیکتاتوری طبقه بورژوا متکی است.

۶- کمونیست‌ها در قبال رژیم جمهوری اسلامی و نظام سرمایه‌داری پلاتفرمی روشن و اعلام شده دارند. پلاتفرم کمونیست‌ها قبل و بعد از "بحران هسته‌ای"، مستقل از تشدید لفاظی‌های جنگی و یا در دوران جنگ، تغییری ماهوی نمیکند بلکه سیاست و استراتژی خود را مبنی بر سازماندهی انقلاب اجتماعی در شرایط جدید، پیگیری و دنبال میکنند. لذا ما با هر کودتا و تغییر آرایش رژیم و بورژوازی ایران و تقابل نظامی در این یا آن گوشه خاورمیانه یا در مرزهای ایران، از اهداف و سیاستهای کارگری و کمونیستی‌مان عدول نمی‌کنیم. ما کمونیست‌ها به بهانه "دفاع از میهن" و یا به بهانه "امروز رژیم باید برود"، طبقه کارگر و مردم بجان آمده را به حمایت از ناسیونالیسم و جمهوری اسلامی و یا به دفاع از راه حل بورژوائی و کودتائی و "رژیم چینجی" دعوت نمی‌نماییم. یک سیاست کارگری و کمونیستی و انترناسیونالیستی بر نفی سلطه و انقیاد سیاسی و اقتصادی بورژوازی تاکید دارد، علیه تحریمها و جنگ طلبی ارتجاعی آمریکا و متحدینش بوده و پیکاری انقلابی علیه طبقه حاکم سرمایه را سازمان می‌دهد.

۷- ما عمده تبلیغات جنگی و تشدید تنش بین دولت‌ها را ناشی از بحرانهای علاج ناپذیر نظام سرمایه‌داری و نیز تلاشی برای از میدان بدر کردن طبقه کارگر و جنبشهای اجتماعی واقعی، تلاشی برای گرفتن ابتکار مبارزات از دست توده‌های مردم و ورود به فاز نظامیگری و کودتائی، تلاش برای تغییر صحنه سیاسی به نفع ارتجاع اسلامی و نیروهای حافظ و مدافع نظم سرمایه‌داری میدانیم. ضد آمریکائی‌گری مبتذل رژیم جمهوری اسلامی ذره‌ای به منافع جنبش کارگری و سوسیالیسم در ایران مربوط نیست. حکومت اسلامی توسط همین امپریالیست‌ها، که از رادیکالیزه شدن جنبش انقلابی و قدرت‌گیری طبقه کارگر و چپ و کمونیسم در هراس بودند، حمایت شد و عملاً به مردم ایران تحمیل گردید. زیرا این حکومت مدافع و ضامن تداوم دولت سرمایه‌داری در انقلاب ۵۷ بود. راه حل سوسیالیستی ما و طبقه کارگر تلاشی برای نفی همه جانبه حاکمیت سرمایه در ایران است.

۸- ما شش جریان کمونیست و چپ، همه نیروهای اردوی انقلابی و کارگری را به گرفتن ابتکار عمل در صحنه سیاسی برای تشدید مبارزه علیه جمهوری اسلامی فرامیخوانیم. سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، پاسخی کوبنده به تهدیدات و اعمال فشارهای امپریالیستی آمریکا و نیروهای مختلف مدافع وضع موجود اعم از حکومتی و اپوزیسیونی است. ما در این جدال برای تقویت و طرح وسیع‌تر راه حل شورائی و سوسیالیستی طبقه کارگر و افشا و شکست هر سیاستی که کارگران و مردم را به حمایت از این یا آن ارتجاع فرامیخواند، تلاش و مبارزه می‌کنیم. امروز دیگر نه تنها "همه با هم" دوره انقلاب ۵۷ محلی از اعراب ندارد، بلکه صفبندی طبقاتی هر روز بیش از پیش آشکارتر و قطبی‌تر می‌شود. ما از این

قطبی شدن سیاست، که بیانگر تشدید کشمکش سیاسی و راه‌حل‌های طبقاتی متمایز است، استقبال و برای پیروزی راه‌حل کارگری تلاش میکنیم. ما نیروهای طبقه کارگر و کمونیست‌ها و پیشروان رادیکال جنبش‌های اجتماعی را به تقویت صفوف مستقل طبقاتی و انقلابی خویش، تقویت افق و راه حل کارگری در مقابل افق و راه حل بورژوائی، برافراشتن پرچم آلترناتیو سوسیالیستی طبقه کارگر با هدف سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی واستقرار حاکمیت شورائی فرامیخوانیم!

۸ مرداد ۱۳۹۸ - ۳۰ ژوئیه ۲۰۱۹

**امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری -
حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.**